



حیدر یوان حافظ

سرشناسه :  
 عنوان قراردادی : دیوان  
 عنوان و نام پدیدآور : دیوان حافظ بر اساس نسخه دکتر قاسم عینی و علامه محمد فروغی  
 اثر ترکیب عروشنویسی محمد مهدی منصور کی  
 تهران: صدای معاصر، ۱۳۹۲.  
 مشخصات نشر :  
 مشخصات ظاهری : ۵۴۴ص.؛ ۱۷×۱۱س.م  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۹۸-۲۸-۳  
 وضعیت فهرست نویسی : فیا  
 موضوع : شعر فارسی - قرن ۱۱ق.  
 شانه افزوده : غنی، قاسم، ۱۳۱۲ - ۱۳۲۱.  
 شانه افزوده : فروغی، محمد، ۱۲۵۶ - ۱۳۲۸.  
 شانه افزوده : منصور کی، محمد مهدی، ۱۳۵۶ - عروشنویسی  
 رده بندی کنگره : گکی PIR5F1۴ ۹۹۹۹  
 رده بندی دیویی : ۸۵۶/۳۲  
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۳۱۹۹۱۸

# دیوان حافظ

بر اساس نسخه:

دکتر قاسم غنی علامه محبت کفرودی

ترکیب خوشنویسی: محمد مصدوری

عضو انجمن خوشنویسان ایران





فروشگاه مرکزی: فلکه دوم تهرانپارس، خ جشنواره، شماره ۲۲۹  
تلفن فروشگاه: ۷۷۲۹۰۴۴۶ - ۷۷۷۰۲۷۶۸ تلفن مرکز پخش: ۶۶۹۶۵۰۱۲  
[www.sedayemoaser.com](http://www.sedayemoaser.com)

## دیوان افکار

بر اساس نسخه دکتر قاسم غنی علامی تبریزی

ترکیب شعری: محمد شمس‌الزکی

چاپ اول ۱۳۹۲ خورشیدی - تهران

لیتوگرافی: پارسیان چاپ جلد: ستاره سبز

صحافی: فردوس چاپ متن: مهارت

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۹۸-۲۸-۳

ISBN: 978-600-6298-28-3

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

الایمانینا اساقی اود کاسا و ناولما  
 کہ عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل  
 بہ بوی نازدای کاخ صبا زان نظرہ بکشاید  
 ز تاب جہد کشیش چه خون افتاد در دل  
 مراد منزل جانان چہ من عیش چون ہر دم  
 ہر کس فریادی دارد کہ بر بندید محل  
 بہی سجادہ و زین کن کرت پیر منغان گوید  
 کہ سالک بی خبر نبود ز راہ و رسم منزل  
 شب تاریک ہم موج و گردابی چنین نایل  
 کجا دانند حال ماسبکباران سائل  
 ہمہ کارم ز خود کامی بہ بد نامی کشید آخر  
 ننان کی ماند آن رازی کز و سازند محفل

حضور کی کربھی خوابی از و غایب شو حافظ

متی معلق من تنوی فع الذنیہ او جہنما

صلح کار کجاست و من خراب کجا	بین تفاوت ره گز کجاست تا بکجا
دلم ز صومعه بگرفت و خرقد سالوس	کجاست دیر معان شراب ناب کجا
چنبت است بر ندی صلح و تقوارا	ساع و عط کجاست انغذ ز باب کجا
زر روی دوست، دل دشمنان چه دریا	چراغ مرده کجا، شمع آفتاب کجا
چو کج می‌نیش ما خاک آستان شامت	کجا رویم بفسر ما این جناب کجا
میسین بسیب ز نندان که چاه در راه است	کجا همی روی امی دل بدین شتاب کجا
بشد که یاد خوش باد روز کار وصال	خود آن کرشمه کجاست آن عتاب کجا

قرار و خواب ز حاط طمع مدارای دوست

قرار صیت صبور کد ام و خواب کجا

اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما  
 به خال بند ویش بخشم سمرقند و بخارا را  
 بده ساقی می باقی، که در جنت نخواهی یافت  
 کنار آب زکنا باد و گلگشت مصلارا  
 فغان کاین لویان شیخ شیرین کار شهر آشوب  
 چنان بر دند صبر از دل که ترکان خون یغارا  
 ز عشق نامت تمام ما جمال یار مستغنی است  
 به آب رنگ خال خط چ حاجت وی زیبا  
 من آن خون و زافزون کین یوسف داشت نسیم  
 که عشق از پرده عصمت برون آرد یغارا  
 اگر دشنام فرمایی و کفر نفرین دعا گویم  
 جواب تخمی زیند بسبب لعل شخارا  
 نصیحت گوش کن با ما که از جان دست ترا در  
 جوانان سعادت مند پند پیسر و انارا  
 حدیث از مطرب وی که روز و هر کس جو  
 که کس بشود و و کشاید بگفت این معنارا

خزل لغتی و ذوقی، بیاد خوش بجان حافظ

که بر نظم تو افشاند فلک حدیثی آرا

صبا به لطف بگو آن غزال رعنا را  
 که سر به کوه و بیابان تو داده ای ما را  
 شکر فروشش که غمخوش در از باد چرا  
 تفتندی کند طوطی شکر خارا  
 غرور خست اجازت مکن داد ای گل  
 که پرستی کنی عنده لبشیدارا  
 به خلق و لطف توان کرد صید اهل نظر  
 بی بند و دام کنی ز مرغ دانارا  
 ندانم از چه سب رنگ آشنایی نیت  
 سی قدان سی چشم ماه سیما را  
 چو با صیب شیشنی و باده پیمایی  
 بیاد آر غمخسان باد پیمارا  
 جز این قدر نتوان گفت در جمال تو عیب  
 که وضع مهر و وفا نیت روی زیبارا

در آستان به عجب کر بگفته حافظ

سرود زهره به رقص آورد مسیحا را





30620K

*The Divan Of  
Hafez*



ISBN-978-600-6296-28-3



9 786006 298283